

سهام سید علی همدانی در انتقال فرهنگ ایران و اسلام به شبه قاره هند و پاکستان و ستم ستیزیهای او

رضا مصطفوی سبزواری*

عیب است بزرگ برکشیدن خود را وز جمله خلق برگزیدن خود را
از مردمک دیده بیاید آموخت دیدن همه کس را و ندیدن خود را
(سید علی همدانی)^۱

میر سید علی همدانی روز دوشنبه دوازدهم رجب سال ۷۱۴ هجری قمری در همدان تولد یافت.^۲ در طول سالهای ۷۳۴ تا ۷۵۳ هجری قمری به سیاحت در ممالک اسلامی و همجواری پرداخت و سپس در زادگاهش به تبلیغ اشتغال ورزید. به سال ۷۶۰ به ختلان^۳ مهاجرت کرد و همزمان، دو تن از معتمدان خود را نیز به قصد تبلیغ به کشمیر فرستاد. در سال ۷۷۳ هجری در ماوراءالنهر با امیر تیمور ملاقات کرد و او را پند و اندرز و هشدار داد تا از خونریزیهایش دست بردارد. تیمور سید را به قتل تهدید کرد^۴ و در نتیجه سید علی به سال ۷۷۴^۵ با گروه سادات خود به کشمیر مهاجرت کرد.^۱ تاریخ

* استاد فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

۱. رک: نسخه خطی شماره ۲ کتابخانه ملک به نقل مجله یغما شماره ۸ آبان ماه ۱۳۳۰ ش، ص ۳۳۹، نیز احوال و آثار میر سید علی همدانی (با شش رساله او تألیف دکتر محمد ریاض از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، چ دوم، ص ۴۸۱).
۲. عبارت: «رحمة الله» را به حروف ابجد تاریخ ولادت او دانسته اند: رک: کشیر (*Kashir*) یک تألیف غلام محی الدین صوفی (انگلیسی)، چ لاهور، ۱۹۴۹ م، ص ۸۵.
۳. ولایتی از بدخشان در ماوراءالنهر نزدیک سمرقند که امروزه «کولاب» نام دارد و جزو تاجکستان است.
۴. کشیر (*Kashir*) یک تألیف غلام محی الدین صوفی (انگلیسی)، چ لاهور، ۱۹۴۹ م، جلد یک، ص ۸۴.
۵. در مورد مهاجرت سید به کشمیر ماده تاریخ زیر در کتابهای تاریخ کشمیر نقل گردیده است:

وفات او را روز چهارشنبه ۶ ذی‌حجه ۷۸۶ نوشته‌اند^۲ و گفته‌اند که جنازه‌اش را مریدانش به‌ختلان (کولاب فعلی) در تاجیکستان انتقال داده‌اند^۳. سید علی را باید یکی

مؤرخان گفته‌اند ۳۷ هزار تن از هندوان و بودائیان عاشق او و یاران تربیت یافته او مسلمانان شدند که نام این همکاران تبلیغی او در خزینة‌الاصفیا آمده است.

از بزرگترین و مؤثرترین بنیان‌کاخ رفیع فرهنگ ایران و اسلام و زبان و ادب فارسی در خطه پهنای هند و ختلان دانست. او با تأسیس مدارس و خانقاه‌های زیادی در کشمیر و ختلان سبب گردید تا فرهنگ ایران زمین در آن خطه رواج یابد. خانقاه معلی یا مسجد شاه همدان و محل تدریس و تعلیم سید علی با معماری

خاصی که دارد نزدیک سرینگر کشمیر و در کنار رودخانه جهیلیم هنوز باقیست^۴.

او در ختلان و سپس کشمیر کتابخانه ساخت و کتابهای خود را به آنجا انتقال داد با توجه به این نکته که نوشته‌اند: سلطان قطب‌الدین که خود هم شاعر بود و هم علاقه‌مند به زبان و ادب فارسی و هم بانی یک مدرسه بزرگ، از کتابخانه او در کشمیر

میر سید علی شاه همدان سیر اقلیم سبعه کرد نکو
شد مشرف ز مقدمش کشمیر اهل آن شهر را هدایت جو
سال تاریخ مقدم او را یابی از «مقدم شریف» او

۱. علت مهاجرت سید را میرزا اکمل‌الدین کامل بیگ بدخشانی به نقل دکتر محمد ریاض چنین به‌نظم آورده:

گر نه تیمور شور و شر کردی که امیر این طرف گذر کردی

۲. در کتاب «نقش پارسی بر احجار هند» تألیف استاد علی اصغر حکمت، چ کلکته (ایران سوسایتی، ۱۳۳۶ ش) رباعی زیر به‌عنوان ماده تاریخ فوت سید آمده که مؤید تاریخ بالاست:

حضرت شاه همدان کریم آیه رحمت ز کلام قدیم
گفت دم آخر و تاریخ شد بسم الله الرحمن الرحیم

(ر.ک: مأخذ یادشده، چ ایران سوسایتی، کلکته، ۱۳۳۶ ش (= ۱۹۵۷ م)، ص ۴۶)

۳. ر.ک: تحایف‌الابرار، ص ۲۳، نیز نفعات‌الانس جامی از انتشارات کتابفروشی محمودی به‌تصحیح مهدی توحیدپور، ص ۸-۴۴۷.

۴. تمام این بنا از قطعات چوب ضخیم و مکعب است که بر روی هم مانند خشت نصب کرده‌اند و در وسط آن بنا تالار وسیع مربعی قرار دارد و گویند آنجاست که میر سید علی نماز می‌گزارده» ر.ک: نقش پارسی بر احجار هند، ص ۴۵.

دیدن کرده و نیز در هردو مکان یادشده کتابداری مخصوص به نام سید محمد قاضی داشته و همچنین پس از فوت سید کسی به نام ملا احمد امور کتابخانه او را به عهده گرفته بوده. معلوم می‌گردد که می‌باید هم تعداد کتابها و هم ارزش و کیفیت آنها درخور توجه بوده باشد^۱ و در انتقال فرهنگ ایران و اسلام بسیار مؤثر.

پادشاهان وقت کشمیر: سلطان شهاب‌الدین (۷۷۵-۷۵۵ ه) و برادرش قطب‌الدین (۷۹۶-۷۷۵ ه) برای شخصیت این ایرانی دانشمند والاتباع احترام خاصی قائل بودند و این حرمت و بزرگداشت آنان به مصداق «التاس علی دین ملوکهم» سبب می‌گردید تا عموم مردم نیز نسبت به ایران و ایرانی که او نمونه آنان معرفی شده بود، دیدی احترام‌آمیز و شایسته فرهنگ و تمدن ایران بیابند.

از سویی دیگر نفوذی که سید علی در پادشاهان وقت کشمیر ایجاد کرده بود سبب می‌گردید تا بتواند نصایح ارزنده و سازنده خود را نیز به آنان ابلاغ کند و مقبول طبعشان افتد و از این رهگذر نیز فرهنگ ایران زمین و آنچه قدما آن را قسمی از «حکمت عملی» و به اصطلاح «سیاست مدن»^۲ تعبیر می‌کردند در آن سرزمین‌های دوردست و خارج از محدوده ایران ترویج گردد. او در کتاب «تذکره الملوک» که مشهورترین کتاب اوست و مدتها نیز در خطه پهنای هند و به خصوص کشمیر کتاب درسی بوده^۳ شرایط حکومت و پادشاهی را ده چیز می‌داند و از آن جمله می‌گوید:

«شرط اول آنست که در واقعه‌ای که پیش آید پادشاه و حاکم خود را در آن واقعه یکی از رعایا تصور کند و دیگری را بر خود حاکم بیند و در آن حال هر حکم که از دیگری بر خود روان می‌دارد. مثل آن از خود بر دیگری روا ندارد»^۴.

و یا مثلاً در شرط چهارم می‌گوید:

۱. ر.ک: واقعات کشمیر، ص ۴۳.

۲. ر.ک: اخلاق ناصری تألیف خواجه نصیرالدین طوسی به تصحیح استاد مجتبی مینوی و علی‌رضا حیدری. انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶ ش، تهران.

۳. ر.ک: کشمیر، جلد یک، ص ۹۱.

۴. تذکره الملوک: از انتشارات دانشگاه تبریز، آبان‌ماه ۱۳۵۸ ش، ص ۲۵۳.

”آنکه در حکم سخن به مدارا گوید و بی موجب درشتی نکند و از شنیدن حجت بسیار ملول نگردد و از سخن گفتن با ضعیفان و مسکینان ننگ ندارد“^۱.
در شماره نهم به حاکمان سفارش می‌کند که: از تجسس خیانت نواب و ظلم عمال

غافل نباشد و گرگ سیرتان ظالم را بر رعایاء مظلوم مسلط نکند و چون ظلم و خیانت یکی از ایشان ظاهر شود، او را به مواخذه و عقوبت، عبرت دیگران گرداند و در سیاست پادشاهی مساهلت روا ندارد.^۲

مقام معنوی این سیدبزرگوار به اندازه‌ای در دلها نفوذ کرده که قایق رانان رودهای کشمیر هنگامی که از پارو زدن خسته می‌شوند، از روح بزرگ سید استمداد می‌کنند و فریاد می‌زنند: یا شاه همدان!

سید علی در دیگر کتابها و رساله‌های خود نیز که تعداد آنها را صد و ده^۳ برشمرده‌اند، گاه و بی‌گاه به تبلیغ فرهنگ

ایران و به‌خصوص مسائل اخلاقی و تربیتی و زیر بنایی و انسانی جامعه مسلمان ایرانی می‌پردازد. در کتاب فتوت‌نامه‌اش که نثری به نسبت روان و ماندنی دارد، می‌نویسد:

”ای عزیز «اخی» باید به مکارم اخلاق موصوف بود و به خصایل پسندیده آراسته باشد: با پیران به حرمت باشد و جوانان به نصیحت، با طفلان به شفقت، با ضعیفان به رحمت، با درویشان به بذل و سخاوت، با علماء به توقیر و حشمت، با ظالمان به عداوت، با فاجران به اهانت با خلق به احسان و مروّت، با حق به تضرع و استعانت، با نفس به جنگ با خلق به صلح، بر جفای خلق متحمل، در وقت مصائب صابر، در حالت رجا شاکر، به عیوب نفس خود عارف، از ذکر عیوب خلق ساکت...“^۴

۱. مأخذ اخیر، ص ۲۵۴.

۲. مأخذ اخیر، ص ۲۵۸.

۳. تحایف‌الابرار، جلد یک: کتابها و رساله‌های سید را صد و هفتاد دانسته است.

۴. فتوت‌نامه به تصحیح محمد ریاض خان استاد دانشگاه پنجاب به نقل مجله معارف اسلامی، شماره ۱۱،

خردادماه ۱۳۴۹ ش، ص ۳۷.

سید علی در مسافرت‌هایش به خطه شبه قاره و سایر بلاد رسالتی را هم که برای ابلاغ دین مبین اسلام به عهده داشت، به نحو احسن به انجام رسانید، مؤرخان گفته‌اند ۳۷ هزار تن از هندوان و بوداییان عاشق او و یاران تربیت یافته او مسلمانان شدند که نام این همکاران تبلیغی او در خزینه‌الاصفیا آمده است.^۱

سید نه تنها در زمینه انتقال کتب فارسی به ختلان و کشمیر مؤفق گردید که بنا به گفته اقبال لاهوری با ترویج «هنرهای غریب و دلپذیر» و دادن «علم و صنعت» به کشمیریان، از خطه کشمیر «ایران صغیر»^۲ آفرید و بعضی هنرها و صنایع ایرانی از قبیل قالی‌بافی، کلاه‌بافی و غیره را نیز بدان سرزمین انتقال داد.^۳

رفتار و کردار و خدمات و آموزشهای اخلاقی و انسانی سید علی به عنوان یک ایرانی مسلمان چنان محبوبیتی از او در میان توده‌های مردم کشمیر به وجود آورد که به او لقب‌هایی چون «امیرکبیر» «علی ثانی» «شاه همدان» «حواری کشمیر» داده‌اند و نوشته‌اند:

«اکنون جای وعظ و تدریس وی در کشمیر مورد احترام و تکریم است. مسلمانان کشمیر در جایی که وی برای موعظه و ارشاد می‌نشست بنای یادبودی درست کرده‌اند و آن محل را زیارت می‌کنند. روز عاشورا هنگامی که دسته‌های عزاداران حضرت امام حسین^(ع) از آن محل عبور می‌کند، پرچم‌های خود را به احترام فرود می‌آورند. مقام معنوی این سیدبزرگوار به اندازه‌ای در دلها نفوذ کرده که قایق رانان رودهای کشمیر هنگامی که از پارو زدن خسته می‌شوند، از روح بزرگ سید استمداد می‌کنند و فریاد می‌زنند: یا شاه همدان!»^۴

۱. رک: ج ۲ آن کتاب، ص ۲۵۹-۲۰۷.

۲. علامه اقبال لاهوری می‌گوید:

سید آن کشور مینو نظیر

جمله را آن شاه دریا آستین

آفرید آن مرد «ایران صغیر»

با هنرهای غریب و دلپذیر

(دیوان اقبال، انتشارات پگاه، تهران، ۱۳۶۲ ش، ص ۳۹۳)

۳. تحایف‌الابرار، ص ۲۳.

۴. رک: مجله معارف اسلامی، شماره ۵، فروردین ۴۷، ص ۷۶.

سید علی ستم ستیز بود و در برابر مفسد اجتماعی از پای نمی‌نشست. حکام و پادشاهان وقت را به رعایت مقررات و قوانین دینی و انسانی و عدالت و دادگری فرامی‌خواند. نامه‌ای که به سلطان قطب‌الدین پادشاه کشمیر نوشت چنین آغاز می‌گردد:

”حضرت سلطان اصلح الله شانه به دعای مخلصانه مخصوص است به اجابت مقرون باد.“

و بعد از عنوان می‌نویسد:

”ای عزیز... اگر دین داری آنست که صحابه و تابعین داشتند و مسلمانی آنکه در قرن اول ورزیدند. جای آنست که گبران و مغان از تردامنی ما ننگ دارند و جهودان بی‌مقدار این مسلمانی ما را به این اعتقاد زور به‌کاه برگی برندارند.“

و سپس در خطاب به سلطان می‌گوید:

چون تیمور شنیده بود که سید هیچ‌موقع پشت به کعبه نمی‌نشیند. عمداً او را پشت به کعبه نشانده و گفت شنیدم تو پشت به قبله نمی‌نشینی! امروز چطور پشت به قبله نشستی؟ سید گفت: هر که رو به شما کند بی‌شک پشتش به قبله خواهد بود.“

”ای عزیز حرام مخور و ضعیفان را محروم مگردان.“^۱

سید در این نامه‌ها به پادشاهان هشدار می‌دهد که روز قیامت از مردم عوام درباره نماز و دیگر فرایض آنها می‌پرسند ولی از حاکمان و پادشاهان ابتدا درباره دادگریها و عدالتشان سؤال خواهد شد. از مجموعه نامه‌های بازمانده از سید علی چنین برمی‌آید که هدف او از نگاشتن آنها ارشاد و راهنمایی امرا و سلاطین و حکام وقت بوده و همچنین معلوم می‌گردد که سید تا چه اندازه بی‌باک و نترس و ستم ستیز بوده. در نامه‌ای به سلطان غیاث‌الدین می‌نویسد:

”امروز جاهلان مفتن که احوال ایشان را به کرات و مرآت دانسته‌اند و تحقیق کرده به مکابره و بی‌شرمی اجتماع کرده‌اند و این حدّ جرأت ایشان نیست تا از اجابت آن عزیز تقویّت نباشد. اگر خاطر عزیز آن می‌خواهد که اهل این دیار

۱. ر.ک: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، شماره‌های ۸۱ و ۸۴، سال ۱۳۵۴ ش، مکتوبات میر سید علی همدانی. نیز احوال و آثار میر سید علی، ص ۱۲۱ به بعد.

به این ضعیف آن کنند که یزید کرد با حسنین^(رض). سهل است که ما این جفاها را سعادت خود می دانیم. این ضعیف را به حضرت صمدیت عهدیست که اگر جمله زمین آتش گیرد و از آسمان شمشیر بارد آنچه حق باشد نپوشد و به جهت مصلحت فانی. دین به دنیا نفروشد...^۱

در نامه دیگری به سلطان علاءالدین می نویسد:

”بر حاکم و پادشاه واجب است که از خطر عهده حکومت بیندیشد و تقلد امور بندگان حق را آسان نشمرد و آثار نتایج مرضی و نامرضی را خوار ندارد...“^۲

سید در راه مقاصد تعلیمی و تبلیغی خود حتی در برابر جهانگشایی خونریز از ستیهنگی و ستم ستیزی و مبارزه دست بر نمی دارد، نوشته اند:

”وقتی به دستور امیر تیمور سید علی همدانی را برای ملاقات با او حاضر می کنند، چون تیمور شنیده بود که سید هیچ موقع پشت به کعبه نمی نشیند. عمداً او را پشت به کعبه نشانند و گفت شنیدم تو پشت به قبله نمی نشینی! امروز چطور پشت به قبله نشست؟ سید گفت: هر که رو به شما کند بی شک پشتش به قبله خواهد بود“^۳.

نیز نوشته اند:

”تیمور گفت: شنیده ام برای کسب قدرت می کوشی. سید گفت: ... درباره سلطنت شبی در خواب دیدم که «سگ لنگی» آمد و آن را در ربود. ما روی به آخرت آوردیم. دنیا را طالب نیستیم. خاطر جمع دار“^۴.

سید علی منتقدی است ستیهنگه و ستم ستیزی است کوبنده و بر این باورست که:

از سیل چو کوه سر مگردان سیلی خور و روی بر مگردان
خاک تو شده جهان هستی چون خاک مکن جهان پرستی^۵

۱. مأخذ اخیر، ص ۱۲۳.

۲. مأخذ اخیر، ص ۱۲۴.

۳. مأخذ اخیر، ص ۴۰-۴۱.

۴. مأخذ اخیر، ص ۴۱.

۵. مأخذ اخیر، ص ۳۰۸.

اعتراض و انتقاد سید علی فقط به حاکمان و پادشاهان منحصر نمی‌گردد که به عالمان ریایی و دنیاطلب نیز می‌تازد و آنان را به باد انتقاد می‌گیرد. در رساله مختصری که درباره فضایل علمای دین تحت عنوان «فی علماءالدین» نگاشته، می‌گوید:

«عالمان واقعی آنهایی هستند که ظاهر و باطنشان یکی است نه آن گروه که از اطلاعات جزئی کمی آگاهی پیدا کرده‌اند و در دنیاطلبی و دسیسه‌کاری‌ها محو و غرق می‌باشند»^۱.

سید علی از راه سرودن اشعار عرفانی خود نیز به دل ارباب ذوق و معرفت راه می‌یابد و شعر و شعرگویی او نیز در حقیقت راهی دیگر برای ترویج اندیشه‌های عارفانه او محسوب می‌گردد. مجموعه غزلیاتش «چهل اسرار» یا «گلشن اسرار» نام دارد و تخلصش «علی» یا «علایی» است. گرچه بر روی هم حدود پانصد بیت در قالب غزل و قصیده و رباعی بیشتر به دست ما نرسیده، اما همین تعداد اندک در راه مقاصد اصلاح طلبانه و رهنمودهای جامعه روزگار بسیار مؤثر می‌افتاده است و سید جذبات دورنی و حالات روحی خود را نیز در لباس همین اشعار لطیف به شنوندگان خود منتقل می‌کرده است.^۲

ارباب ذوق در غم تو آرمیده‌اند از شادی و نعیم دو عالم رمیده‌اند

و یا:

راحت ار خواهی بیا با درد او همراز شو دولت ار جویی برو در عشق او جانباز شو^۳

پاره‌ای دیگر از مأخذ مقاله

۱. ذخیره الملوک تألیف میر سید علی همدانی به تصحیح دکتر انواری. انتشارات دانشگاه تبریز، آبان‌ماه ۱۳۵۸ ش.
۲. دیوان اقبال لاهوری، انتشارات پگاه، تهران، چاپ دوم ۱۳۶۲ ش.
۳. سرزمین هند، نگارش علی اصغر حکمت، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷ ش.

۱. مأخذ اخیر، رساله «فی علماءالدین»، ص ۱۸۹.

۲. رک: احوال و آثار و اشعار، ص ۲۲۰.

۳. مأخذ اخیر و همان صفحه.

۴. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، استاد سعید نفیسی، انتشارات فروغی، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۵. نفحات الانس من حضرات القدس، تألیف مولانا عبدالرحمن جامی به تصحیح مهدی توحیدی پور، از انتشارات کتابفروشی محمودی، ۱۳۳۶ ش.
۶. مجله یغما، دوره‌های مختلف از جمله سال ۱۳۳۰ ش، شماره‌های ۶ و ۸.
۷. مجله معارف اسلامی، دوره‌ها و شماره‌های مختلف از جمله شماره‌های ۵، ۶، ۱۱، ۱۳، ۲۳.
۸. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره‌ها و دوره‌های مختلف.
۹. مجله ارمغان، سال دهم «ادبیات و هندوستان» سعید نفیسی.
۱۰. تحایف‌الابرار، چ هند.
۱۱. فتوت‌نامه میر سید علی همدانی به تصحیح محمد ریاض خان، استاد دانشگاه پنجاب.
۱۲. تاریخ کشمیر *History of Kashmir* تألیف دکتر رضیه بانو، چ ۱۹۹۱ م، دهلی.
۱۳. تحقیق ما للهند، تصنیف ابوریحان بیرونی، ترجمه منوچهر صدوقی سها، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، شماره ۵۲۱.
۱۴. خزینة الاصفیا، هند.
۱۵. واقعات کشمیر.